



استقلال یا وابستگی زن؛ تاملی در تفاوت نگاه اسلام با غرب

خوبی یا بدی زن یا مرد در سیمای سمت های آن دو تبلور می یابد و هر یک نیز نتیجه عمل خود را می بیند، پس هرگز زن موجودی وابسته نیست تا حقوق وابستگی دریافت نماید و هیچگاه هویت ابزاری ندارد تا از استقلال ذاتی محروم باشد.

خبرگزاری مهر- خوبی یا بدی زن یا مرد در سیمای سمت های آن دو تبلور می یابد و هر یک نیز نتیجه عمل خود را می بیند، پس هرگز زن موجودی وابسته نیست تا حقوق وابستگی دریافت نماید و هیچگاه هویت ابزاری ندارد تا از استقلال ذاتی محروم باشد. زن و مرد ابزار فراوانی برای تکامل در اختیار دارند و در اسلام هرگز خودشان ابزاری برای کالاهای دنیا و متاع زودگذر آن نیستند، چنان که وظایف تعیین شده برای انسان هرگز او را ماشین کار و ابزار رفع نیاز نمی سازد و در این جهت، هیچ امتیازی بین زن و مرد نیست، پس نباید نگرش اسلام به زن را نگرشی ابزار گونه دانست و زن را موجودی وابسته دانست. اینکه گفته می شود زن نمونه، همسری خوب، مادر نیکو و ... است، نشان بی اصلتی زن نیست، چون این گونه تعبیرها برای مرد نیز بکار می رود و هرگز حذف استقلال هویت انسانی زن یا مرد منظور نیست و نباید تلقی شود که زن چون همزه وصل است که باید بین مردها سقوط کند یا ابزار خانواده یا جامعه گردد تا دیگران به کمال برسند و او را همراه در حد ابزار بماند چون انسان متکامل، شئونی گوناگونی دارد و نشانه کمال او در چهره و وظایف محوله ظهور می نماید.

مسئولیت متقابل زن و شوهر در حریم خانوادگی به خوبی از این بیان رسول اکرم (ص) استنباط می شود؛ یعنی مرد مسئول تامین نیاز و نگهداری اهل خانه است و زن مسئول حفظ و نگهداری مال شوهر است و هر مسئولی در قبال وظایف خود متعهد است. اسلام بزرگترین خدمت ها را نسبت به جنس زن انجام داد. گامی که اسلام در حقوق زن برداشت با آنچه در مغرب زمین می گذرد و دیگران از آنها تقلید می کنند و تفاوت اساسی دارد: اول در ناحیه روان شناسی زن و مرد. اسلام در این زمینه اعجاز کرده است.

تفاوت دوم در این است که اسلام در عین آنکه زنان را به حقوق انسانی خود آشنا کرد و به آنها شخصیت و حریت و استقلال داد، هرگز آنها را به تمرد و عصیان و طغیان و بدبینی نسبت به جنس مرد وادار نکرد.

زنان امروز در غرب مثل موم و خاک رس نرمی در دست مردان هستند که برای جوابگویی نیازهایشان به هر شکلی بخواهند درآورده و مورد سوءاستفاده قرار می دهند. مردان جهت تبلیغات محصولات صنعتی و تجارتی و در فیلمهای سینماها از زنان به هر شکلی حتی سوءاستفاده می کنند، آزادی و استقلال آرام آرام و به طور مرموزی از زنان ربوده می شود و به جای آزادی، به زنان اجازه داده شده که به دنیای مردان ملحق شوند! اما آنچه که مایه تاسف است این است که زنان نیز - بدون آگاهی از عواقب وخیم این امر- از این مسئله که برابر با مردان پذیرفته شده اند بسیار خوشحالند و هر چند که پیوستن آنها به دنیای مردان سبب شده که باری بیشتر از تحمل (ظرفیت شان) بر دوش گیرند.

معذالک زنان به علت ناآگاهی باز هم از پیوستن به جامعه مردان شادی می کنند و لذا همچنان که ظرافت زنانگی (لطافت روحی) در زنان از بین رفته و نیازشان به عشق و علاقه به انسان ها بلاجواب گذاشته شده است، همان طور هم مواهب اعطائی خداوندی از او ربوده شده و در نتیجه یک زن، تنها و بدون هیچ احساس امنیتی، در جهانی که با عواطف فطری او بیگانه است (حالات مردی) باقی مانده و تمام این شرایط به تولد زن جدید منتهی می شود! زنی که نمی داند شخصیتش چیست؟ چطور می بایست باشد؟ و چگونه باید عمل کند؟ و در عین حال سعی می کند که پاسخی برای نیازهایش پیدا کند (اعم از نیازهای روحی، عاطفی، غریزی) و بدین صورت است که زن قربانی آزادی و استقلال غربی شده است.

علاوه بر آزاد بودن دختر و پسر که در غرب امری عادی است پدران و مادران سعی می کنند دخترشان دوستی از جنس مخالف پیدا کنند و آنها را تشویق می کنند هر چه بیشتر در تنهایی با هم باشند، رو آوردن جوانان به مواد مخدر و تن در دادن به هر فسادی برای به دست آوردن آن مواد هر روز زیادتر می شود. به طوری که فرار صدها کودک و نوجوان از خانه در غرب، بهترین علامت مفید نبودن زن در خانه و زندگی خانوادگی است بخصوص که زن در غرب می خواهد در همکاری خود را برابر مرد بداند.

نهضت اسلامی اساس خانواده ها را متزلزل نکرد، زنان را به شوهرداری و مادری و تربیت فرزندان بدبین نکرد، برای مردان مجرد و شکارچی اجتماع که به دنبال شکار مفت می گردند وسیله درست نکرد، زنان را از آغوش پاک شوهران و دختران را از دامن پرمره پدران و مادران تحویل پست اداری و پولداری نداد، کاری نکرد که کانون مقدس خانواده متلاشی شود.